



## محسن مجید زاده حرافات درمان‌نظران فولکلور مازندران

«در مورد باران»

- ۱- برای بند آوردن رنج‌گیری از بارانهای بی‌دبی، اگر پسرانند خانواده در وسط حیاط نزل کار در فرودگاه و یا تعدادی فضل در منقل ریخته و شیرین خود را شب بار زمین نزد باران نهد خواهد آمد.
- ۲- اگر چند لوقه را با انگش زشته و دو برقمه گذارند و باران بند نیاید بگی نام چند کبر را در کاغذی زشته و بر چری در سیر باران بیاورند در کهرت باران بند خواهد آمد.
- ۳- در فرود آمدن باران، اگر کسی پشت کرسی را باند و عقب بگوید باران خواهد آمد.
- ۴- اگر کبر دست و پایش را بپسند باران خواهد بارید.
- ۵- اگر لردک خاکی بهایش را از تپ تاپ با هم نزنند باران خواهد بارید.
- ۶- برای رفع خشک‌گی و زردی باران؛ اگر تبری را داخل حوض گذارند باران خواهد بارید.
- ۷- اگر مردم با قراست در صحنی اجتماع نموده و در دعا و دراد و در نگاه خدا شفا نمانند باران خواهد بارید.
- ۸- اگر قره باغهای را کشند هوا باران خواهد شد.
- ۹- اگر گنجام تابش آفتاب باران نزل نماید بگویند عمو سی مادر شغالیست.
- ۱۰- اگر به تارت مرده گنجام هم در کورستان باران نبرد آمده به پشت خواهد رفت زیرا آن باران رحمت الهی است که بر آنجا نهد.
- ۱۱- اگر گنجام غروب آمده ای از غلطان است بچی دستش مرهم زوزه کشند بر آبارانی خواهد شد.

قاسم - خجالت از عروس خویش دارم  
 امام حسین - ز گفتارت غمی بر دل فرودم  
 قاسم - به او من وعده ای دیگر نمودم  
 امام حسین - چه خجلت داری ای غدیده زار  
 قاسم - عمو رفتم خدا بادت نگهدار

وقاسم از دنیا می‌رود - امام بر بالین او می‌ایستد و به تاش سر بردست می‌گیرد و طبال آهنگ عزای نوازد  
 امام حسین -

که آه، آه، نبیند کسی در این دوران  
 جوان اول عمرش بخسون خود غلطان  
 بیا به نزد من ای خواهر من ناشاند  
 که شد شهیدستم قاسم ندیده مراد  
 برو به مادر قاسم تو عذر خواهی کن  
 به فرق دختر من معجز سیاهی کن





« در مورد خواب »

- ۱- مادر خواب دین شایسته کی دولت دخیال است .
- ۲- سنگ خواب دین شایسته کی بینه ی شمس است .
- ۳- اگر کسی در خواب برینه که خدای جزیره ، بخت همه یس بیدار دخیال بینه یس بیدار
- ۴- اگر کسی در خواب برینه که باج هر روزی کرده بر بخت خواب است
- ۵- اگر کسی در خواب برینه که مرده ای او را بر سر خود بخواند برودی خواهد کرد .
- ۶- اگر کسی مرده ای را در خواب دیده داشت گفت او را بخورد ، مرده شرح حال و صبح خودش در قبر بوی باز خواهد کرد .
- ۷- اگر کسی در خواب برینه که نگاه مرده ، عیش دراز خواهد شد .
- ۸- در عالم خواب بود روز کون دین که ترقی می باشد .
- ۹- اگر کسی در خواب برینه که از زبان او مرده ترقی کرده و اگر پیش بیاید منزل خواهد نمود .
- ۱۰- ماهی در خواب دین عدل است شایسته
- ۱۱- اگر کسی در خواب برینه که در کما مرده ، بر در است ، لیکن خبر که خواب است
- ۱۲- اگر کسی مرده ای را در خواب دیده که در خواب برینه که مرده بر آن خرد عطا خواهد کرد
- ۱۳- اگر کودک نوراد در حال خواب با خود را کسا بر سر بدهد ، در جهان بخندد
- ۱۴- اگر فرشته ای در عالم خواب بر کودک نوراد بخندد « چو در داورت زنده بماند » بخندد و اگر بخندد « چو در داورت میزند » میخورد .
- ۱۵- اگر ترقع خواب بر سر کسی خواب با نور بماند خوابا بر آن بخت خواهد بود .
- ۱۶- اگر کسی در خواب برینه که بگری او امیر و قدرت و قوت خود را بوی داده است .
- ۱۷- اگر کسی زنده ای را در خواب برینه که مرده است ، عمران خود دراز خواهد شد .
- ۱۸- اگر مرده ای در خواب برینه که از دواج کرده است ، بخت دخیال بینه و در کارش ترقی خواهد کرد ( بر زبان عالم نماند است ) .

« در مورد جن و پوی »

- ۱- شب بر آمد نگاه کردن بخت جن با چنی شدن بگردد .
- ۲- زرد بخت گردد خوابیدن بخت جنی شدن بگردد ، در آن شب درون کما برینه
- ۳- اگر کسی در شب خواب است که بماند ببرد باید بسم بر خود نراند لیکن بخت بخت ای
- جن در کما دیده و بر سر آنها ببرد و بر سر خود بخت بخت از بخت دراز او شود .
- ۴- اگر وضعی از جن کی بخت ترک داشت بود بود بخندد « پویانی شده » یعنی جنه برآزده
- ۵- اگر کسی شبانه لب رود خانه رفته با در آن شکست جنی خواهد شد برآزده



۶- اگر کسی شانه برهنه از تارگی عورت می‌کند نباید پشت برش نگاه کند بر اجنه از پیش می‌کشد.

۷- در شبهای ماه رمضان اجنه آواز می‌دهد و با آدمیان کاری ندارد.

۸- اگر کسی در شب تیره از مکان وحشتناک بگریزد نباید با صدای بلند بسم الله بخورد مگر با بدرد دل خود نیت کند تا اجنه به او آزار نرساند.

۹- اگر در هنگام شب بیدار شد و در آنجا است حقیقت باشد که بگردد در آید.

۱۰- گنجینه‌ها، جواهرات و سوغاتی‌ها را در شب نباید از کتف در آن عورت بردارد و پویا و جتینان عاقبت گل باقی نماند و پشت آزار شود.

«در مورد مهمان»

۱- اگر زراعت یا مکانی روی درخت یا پشت بام خانه‌ی کسی قرار دارد که مهمان آن منزل وارد شود.

۲- اگر آب ترنج بختن زمین بکارد صدانه مهمان خواهد آمد.

۳- برای راندن مهمان نهم باید توی نقش زغال یا نمک ریخت.

۴- اگر چشم کسی بکانه خور شود مهمان بر او وارد خواهد شد.

۵- اگر دم چانه روی بکانه باشد مهمان در در منزل خواهد شد.

۶- اگر مرغال صانگی با هم بخورند مهمان خواهد آمد.

۷- اگر توی نفس مهمان نهم پیش نگردد بر او در ترنج نهم حمت خواهد کرد.

امثال و حکم مازندرانی

همیره - الف

۱- آتا انار، بیس و هشتایباز

*Attā enār o, bisso hastā bimār.*

یعنی: یک انار و بیست و هشت بیمار

مترادف: اشاره به اینست که جوانان بیمار دارند.

۲- آتای نماز و آب سرد و مسجد دره فوئنه.

*Attā binemāje vasser ma'ced re navemene.*

یعنی: برای یک نماز در مسجد و آب سرد و فوئنه.

نظایر:

توکی: بیر بنیمازدان او توی مسجدین قاپوسین باغلاماز لار.

فارسی : بزرگی می را نور است = بزرگی کاروان بار خنده  
۳- آقا پاره د شمال و استر . انا قصریه ره نش زینه .

*Attâ pârê dâsmâlê vâsser attâ  
qaysariye re taš game.*

یعنی : برای یکد شمال پاره یک قصریه را آتش میزند  
نظایر :

ترکی : ببرد شمالده ن ادور قصریه اود ویریر

کردی : بود شمالی قصریک آگر ادا برای زنی قصریه ابرازن

عربی : بنتی قصرا و نهده مصرأ

۴- انا دوزن بشته خدتره بره بنن . انا لوالدوح ابی بره .

*Attâ dârgen ê xederre bayen, attâ  
quâlduj atti re.*

عنادرفارسی : یک سوزن بخود من یک جوالدور بیکری

ترکی : اوزوره بیر ایله بولداسوا جوالدور (یک رزن

خودت . یک دوز ریخت)

۵- انا دس جا دتا هندوانه نشینه بنن .

*Attâ dassê jâ detâ hendevâne na-  
nişene bayten.*

یعنی : با یک دست دو هندوانه نمیتوان برداشت

نظایر : روسی : {за глынуê гайчавиш погонити  
си, на одного не поидавиш}

ترکی : بیر الیه ایکی قارپوز دو تمان اولماز .

چینی : یک پا برد و قایق قرار نگبرد

*Il ne faut pas courir deux  
lièvres la fois.*

رَبِيَابَةُ دُو جَوَاسِ رَابَا يَدْعَفِيكَ د .

فارسی : یکدست توان گرفتن دو بیه

۶- انا سر دارنه . هزار سامون .

*Attâ sar dârne, hezar sâmun.*

یعنی : یک سردار دو هزار سامان .

نظایر :

توکی : پیر با شیدور مین پیر . ایکی خیالیم = یکت سردرم دیناررد  
بی روز، خیال .

فارسی : یکت سر و هزار سودا :

آیم هست و گاو م هست ، نوبت آسیابم هست :

گردست نمیرسد پیدامان یکت سر بودم هزار سامان

۷ - انا شنه ، انا خم کینه .

*Atta šanne, attā jam kenne.*

یعنی : یکی میبیزد (می پزند) و یکی جمع میکند .

نظایر :

فارسی : هرچی این میریزه ، اون جمع میکنه

تولی ، او توکنی ، بویشند روب = هر چه ادرینجه ، این جمع کرده .

مراد : این مثل دوقی دو نفر که بخت تائی رسارش رعیه نفس برمی شو ساری

نابند صادق است دست مثل بستند دو نفر بخوانند عاصانه از دجی موه بچینه

دلی ، عمان مانع شود در آن صورتش می نشه ای ، ای بی را کولانه کج از دختش بره .

کینه در گری جمع نموده و در برزد و با در همی کی برای دفاع از حق میان نمید و در زمر

و بجز برای نفع نفس می گفت نموده و تا نمید کمال حلاوت نمید کرد بر محوم نمید

۸ - انا کوزده گند سازینه .

*Atta quye re gombed sazene.*

یعنی : شرطه ای را چون گندی بینمایاند .

مراد آنکه در مسائل بسیار مبالغه نموده . کاهی را چون گوش

جلوه میدهد و هو و حجاجی است .

۹ - انا گوش دبه ، انا گوش دروازه .

*Atta quš dare , attā quš darvā-*

یعنی : یک گوش در است و یک گوش دروازه .

نظایر :

توکی : پیر قولاقون دارابله ، پیر قولاقون دروازه .

عربی : تعادل کائنات واسطی .

